

نسبت رفتار تمدن غرب با بیداری اسلامی بر اساس اندیشه حاجی آقا مجتهد شیرازی نماینده دوره مشروطیت

شکرالله خاکرند*

رضا زارع**

چکیده

مقاله حاضر، نسبت میان رفتار دو پدیده مهم در نظام بین‌الملل را در قرن بیستم که یکی برخاسته از جهان مسیحیت به نام «تمدن غرب» و دیگری برگرفته از جهان اسلام به نام «بیداری اسلامی» است بر اساس اندیشه سیاسی حاجی آقا مجتهد شیرازی مورد بررسی قرار می‌دهد. حاجی آقا شیرازی، تمدن غرب را به عنوان قدرت قوی و غالب و جهان اسلام را به عنوان امت تحت فشار و مغلوب، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. وی معتقد است غرب نسبت به علت‌العلل واکنش‌ها، یعنی «تحقیر شدگی» ملت‌ها غفلت نموده و بر همین اساس با اطمینان، وقوع قطعی یک «جنبش بزرگ اسلامی» در واکنش به رفتار تمدن غرب در قرن بیستم را پیش‌بینی می‌کند.

سؤال اصلی این است که آیا این جنبش اسلامی، می‌تواند با وقوع انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام مطابقت نماید؟ نتایج این پژوهش، بیانگر آن است که ویژگی‌ها و اهداف جنبش اسلامی با انقلاب اسلامی منطبق می‌باشد.

واژگان کلیدی

تمدن غرب، بیداری اسلامی، حاجی آقا شیرازی، تحقیر شدگی، جنبش عالم اسلامی، انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی.

khakrand66@yahoo.com

reza.zare41@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۱۴

*. عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز.

** دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، واحد بین الملل دانشگاه شیراز.

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۶

مقدمه

از آغاز پیدایش اسلام و تأثیرگذاری آن بر عالم بشریت، بین جهان اسلام و مسیحیت، همواره در برهه‌ای از تاریخ، روابطی مبتنی بر «تعامل» با رفتار مسالمت‌آمیز (از جمله در هشت قرن فرمانروایی مسلمانان بر اندلس) حاکم بوده، و در مقطعی دیگر، روابط مبتنی بر «تقابل» با شدت کمتر، با رفتار قهرآمیز و با شدت بیشتر، با رفتار خصمانه و دشمنانه (از جمله در جنگ‌های صلیبی) برقرار بوده است. البته در حالت خوش‌بینانه ممکن است بتوان از روابطی مبتنی بر «رقابت» با رفتار به ظاهر صلح‌آمیز هم نام برد. بنابراین، در هیچ برهه زمانی میان غرب و جهان اسلام خلأ روابط متصور نبوده و این مسئله از جهاتی بیانگر اهمیت این دو دین بزرگ، با برخورداری از ویژگی‌های جهان‌شمولی آنها می‌باشد.

در این روند تاریخی، مسلمانان، از یک دوره «برتری» هزار ساله در ابعاد مختلف، مادی و معنوی برخوردار بودند که پس از افول تدریجی به خصوص در بعد مادی، دوره صعود اروپا از رنسانس شروع شده و با بهره‌گیری از امکانات مادی و شیوه ماکیاولیستی به قدرت امپریالیستی و استعماری خود دست یافته و بر جهان اسلام تسلط پیدا کرده و با رفتار خصمانه با مسلمانان برخورد نمودند که این رویه نامناسب در آغاز «قرن بیستم» به اوج خود رسید.

سرزمین ایران نیز به عنوان جزئی از جهان اسلام، نه تنها وضعیتی بهتر از سایر کشورهای اسلامی نداشت، بلکه به سبب موقعیت ژئوپولیتیک و وجود ذخایر نفت در جنوب و رقابت روس و انگلیس برای گسترش نفوذ خود در ایران و همچنین مواجه شدن با معضلات و مشکلات ناشی از مدرنیزه شدن، به مراتب نسبت به دیگر کشورها در وضعیتی دشوارتر به سر می‌برد. در این میان، عالمان دینی همچون گذشته در تاریخ ایران با مسئولیت‌پذیری دینی و اجتماعی خود و با برخورداری از روحیه استبداد و استعمارستیزی برگرفته از فرهنگ شیعه در دفاع از مرزهای سرزمینی، عقیدتی، هویتی و حوزه دینی در هدایت و رهبری جامعه، به ایفای نقش پرداخته و در برابر تبعات و آثار منفی تمدن غرب از خود مقاومت در خور توجهی نشان دادند.

یکی از این شخصیت‌های دینی فعال، اما ناشناخته در زمان پس از خود، «علی شیرازی» معروف به «حاجی آقا مجتهد شیرازی» است که نماینده مجلس شورای ملی در دوره‌های دوم و سوم و چهارم می‌باشد. وی، در سال ۱۲۶۱ در شیراز به دنیا آمد، تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود سپری کرد و سپس روانه نجف شد. در آنجا شاگرد آخوند خراسانی بود و از وی

جواز اجتهاد گرفت (بامداد، ۱۳۷۱: ۱۶۲) ایشان در انتخابات دوره دوم مجلس شورای ملی در سال ۱۲۸۸ از شیراز به نمایندگی انتخاب شد و چون مردی سخن‌ور بود در این دوره شهرتی پیدا کرد و در سال ۱۲۹۳ در دوره سوم نیز از تهران و در سال ۱۳۰۰ در دوره چهارم قانون‌گذاری از سوی مردم فسا به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. (نظری، ۱۳۹۰: ۴۹۹)

حاجی آقای شیرازی نخستین فردی بود که با نوشته‌های خود در آغاز قرن بیستم حمله شدیدالحنی را علیه رفتار استعماری غرب انجام داد و در دو جبهه وارد مبارزه جدی با غرب شد. یکی، با استعمار و ورود اجانب به سرزمین‌های اسلامی و دیگری با استبداد. منظور از مبارزه با استبداد از نگاه حاجی آقا، مقابله با تجددگران افراطی و تقلیدکنندگان غرب‌گرا بودند که در مجلس دوم سخت با آنها درگیر بود و از آنان به عنوان «دیو مهیب استبداد» یاد می‌کرد که با تغییر قیافه و زدن ماسک تحت پوشش مفاهیمی جذاب مانند آزادی، حقوق بشر و ... ضد آزادی عمل نموده و کمترین حقوق طبیعی ملت را نادیده می‌گرفتند. وی کتابی تحت عنوان «واقعات دوساله یا تاریخ بدبختی ایران در سال ۱۳۳۰ ق» پیرامون رفتار و عملکرد و مواضع آنها به نگارش در آورد. در این نوشته مدل و الگوی مورد نظر روشنفکران غرب‌زده که تحت تأثیر تمدن غرب بودند و قصد داشتند با هر وسیله‌ای حتی «ترور» آن را پیاده نمایند را به شدت مورد تهاجم و چالش قرار داد.

آنچه از نوشته‌ها و آثار و سخنان حاجی آقا استنباط می‌شود را می‌توان این‌گونه به تصویر کشید که گویا حاجی آقا در ابتدای قرن بیستم بر جایگاه رفیعی ایستاده و آینده جهان را به نظاره نشسته و بر اساس بینش و تحلیل سیاسی و تاریخی و نظریه خود مبنی بر (علت واحد یا قانون غالب و مغلوب) تحولات قرن بیستم را تجزیه و تحلیل می‌کند. او این قرن را «قرن خونین» نام نهاد. گویی او شاهد جنگ‌های جهانی اول و دوم با میلیون‌ها تلفات انسانی است. او می‌بیند که صبر اسلامی امت جهان اسلام در مقابل تجاوزها و اهانت‌ها که در واقع از نظرش «تجدید جنگ صلیب» است، تمام شده و آلام و دردهای مسلمین به نقطه انفجار رسیده و با اطمینان از وقوع قطعی «یک جنبش بزرگ اسلامی» و حتی با تعیین کانون آن، خبر می‌دهد.

بر همین اساس، سؤالی که در این تحقیق مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد این است که آیا جنبش بزرگ حتمی‌الوقوع عالم اسلام که حاجی آقا شیرازی در واکنش به رفتار و تمدن غرب پیش‌بینی کرده بود می‌تواند با نهضتی که در سال ۱۳۵۷ تحت عنوان «انقلاب اسلامی»

به رهبری امام خمینی علیه السلام در بستر بیداری اسلامی به وقوع پیوست، مطابقت نماید؟ فرضیه‌ای که مورد سنجش قرار می‌گیرد مبتنی بر این پایه است که قرن بیستم شاهد وقوع جنبش‌های فراوانی، در سرزمین‌های اسلامی بوده که هر کدام تأثیرهای قابل توجهی در کشورهای خود و حتی برخی از آنها فراتر از کشورهای خود به جای گذاشته است، اما هیچ‌کدام از آنها نتوانسته است به اندازه انقلاب اسلامی ویژگی‌ها و اهداف جنبش بزرگ اسلامی مورد نظر حاجی آقا را در برگیرد.

ذکر این نکته ضروری است که حاجی آقا شیرازی در نوشته‌های خود در کنار مفهوم جنبش بزرگ اسلامی به مفاهیم دیگری از جمله جنبش حتمی‌الوقوع عالم اسلامی، جنبش جامعه اسلامی و نهضت اسلامی اشاره کرده که منظور وی معنای واحدی، مبنی بر واکنش و حرکت جهان اسلام در برابر رفتار تمدن غرب را دارد.

مبانی نظری موضوع از دیدگاه حاجی آقا شیرازی

پیرامون چگونگی پیدایش تمدن‌ها و اضمحلال آنها و تحولات سیاسی اجتماعی از جمله شورش‌ها، نهضت‌ها، جنبش‌ها و انقلاب‌ها، می‌توان به یک فرمول کلی دست یافت که میان رفتار و عملکرد تمدن‌ها و ظهور انواع جنبش‌ها یک رابطه علی و معلولی وجود دارد. حاجی آقا شیرازی با توجه به این رابطه، علت شورش‌های عمومی و اضمحلال قدرت‌ها و تمدن‌های بزرگ را «شدت فشار و تحقیر ملل مغلوب و غرور قدرت قوی» می‌داند و در این باره می‌نویسد:

علل شورش‌های عمومی و اضمحلال امم مقتدره در هر قرن، همیشه و دائم به یک نقطه واحد راجع و به یک مرکز حقیقی منتسب بوده و تغییرپذیر نیست! آن نقطه حقیقی، آن مرکز مخصوص و آن علت تغییر ناپذیر شدت فشار و تحقیر مغلوب و ضعیف و کمال غرور و قهاریت غالب و قوی است. (شیرازی، ۱۳۲۹ ق: ۱)

حاجی آقا در واقع، «تحقیرشدگی» از سوی قدرت‌ها را علت‌العلل و به تعبیر دیگر، از آن به عنوان «قانون غالب و مغلوب» یاد می‌کند که در نتیجه آن، طغیان و عصیان ملت مغلوب علیه قدرت غالب به مثابه یک قله آتشفشان فوران خواهد کرد:

این حسیات کینه و بغض و این عواطف غضب و غلیان که مبدأش همان اهانت و بی‌اعتنایی و فشار قوی بر ضعیف و غالب بر مغلوب است، در سینه‌های ملت مغلوب کم‌کم متراکم شده، یک مرتبه مانند مانند یک قله آتشفشان بنای فوران خواهد گذاشت. (همان)

ایشان برای اثبات و تکمیل نظریه مورد تأکید خود، در باب سقوط تمدن‌ها و علل

انقلاب‌های عمومی، برخی از مصادیق تمدن‌های گذشته از جمله ایران باستان، یونان، مصر، استقلال آمریکا را مورد توجه قرار می‌دهد و می‌نویسد:

برچیده شدن بساط فراغنه و قیصره، سقوط ایران باستان و یونان، استقلال آمریکا، انقلاب‌های متعدد برای تبدیل «سلطنت شخصی» به «سلطنت ملی» ناظر به همین علت واحد بوده است. (همان)

حاجی آقا، پایه نظری تمام پیش‌بینی‌های خود در قرن بیستم را بر اساس «علت واحده» قرار داده و از همین منظر به بررسی و تحلیل رفتار و عملکرد تمدن غرب یا عالم مسیحی با عالم اسلام می‌پردازد. در واقع ایشان، معتقد بود که غفلت و بی‌اعتنایی تمدن غرب از این نکته مهم، زمینه و بستر ساز وقوع قطعی «جنبش بزرگ جامعه اسلامی» خواهد شد.

شرایط حاکم موجود بر جهان اسلام در آغاز قرن بیستم

در حالی که مسلمانان در اوج عظمت و شکوه تمدن خود قرار داشتند، در جای دیگری از دنیا، اروپائیان در زوال دوران قرون وسطی قرار گرفته بودند. چراغ علم و دانش خاموش و در وحشت و بربریت می‌زیستند و مسلمانان با انتقال تجربه‌های علمی و دانش خود، زمینه‌های شکوفایی را در آن سرزمین فراهم نمودند. حاجی آقا بر این باور است که اسلام راه ترقی و تکامل را در پیش پای غرب نهاد:

عالم مسیحی که در قرون وسطی گرفتار همه گونه‌های فشارهای بربریت و دچار اعلی درجه تشمت و تفرقه و بدویات بود! پس از جنگ‌های صلیبی اصول ترقی و تکامل را از عالم اسلام اتخاذ نموده و تا آخرین منازل ترقی و سیادت را با قدمی ثابت پیمود. (شیرازی، ۱۳۲۹ ق: ۱)

با گذشت زمان، تمدن بزرگ اسلامی رو به ضعف نهاد. هر مسلمانی که نسبت به دوران تمدن اسلامی شناخت پیدا می‌کند، این سؤال در ذهنش می‌آید که به راستی، چه عاملی سبب انحطاط تمدن اسلامی شد؟ حاجی آقا شیرازی دو عنصر اساسی، «غرور» و «غفلت» را عامل مغلوب شدن مسلمانان می‌داند:

سرعت گسترش شوکت اسلامی، مسلمین را دچار غرور کرد. در نتیجه آنها غفلت کردند و در پیروی از تعالیم دینی راه تکامل و تساهل پیمودند و همین امر باعث مغلوب شدن مسلمانان گردید. (همان)

بنابراین، در قرن بیستم در یک طرف، جهان اسلام قرار گرفته که جزو ملل مغلوب به‌شمار می‌آید و در سوی دیگر، تمدن غرب به عنوان قدرت غالب. حال باید دید آیا همان‌گونه که مسلمانان در اوج قدرت حضور خود در بخشی از اروپا، رفتاری نیکو و مسالمت‌آمیز با مردم اروپا داشته‌اند، آنها در اوج تمدن خود چنین رفتاری با مسلمانان در قرن بیستم داشته‌اند؟ تحلیلی که حاجی آقا از شرایط حاکم بر جهان در قرن بیستم عرضه می‌نماید و خصوصیتی که برای آن بر می‌شمرد آن را با دیگر قرون گذشته متمایز می‌سازد و آن را «قرن خونین» می‌نامد که سرشار از ظلم و تحقیر انسان‌ها است:

در قرن بیستم نسبت به قرون گذشته، خصایصی است که قابل انکار نیست. در این قرن به نام انسانیت، هتک نوامیس؛ به نام قانون نقض قانون؛ به نام تمدن پایمال کردن تمام حقوق مدنیت؛ به نام نزاکت، هتاک و به نام دوستی، عداوت و نمی‌توان نامی جز قرن، نقض عهد، خیانت، غدر، طمع و قرن اهانت و تحقیر حقوق بشری بر آن نهاد. (همان)

حاجی آقا سپس به طور خاص، به رفتار تمدن غرب با جهان اسلام می‌پردازد و اقدامات آنها را ظالمانه، متجاوزانه و اهانت‌بار بر می‌شمرد و با ذکر نمونه‌هایی از رفتار تمدن غرب با جهان اسلام می‌گوید:

با حمله ظالمانه اسپانیا به بیچارگان مراکش، هزارها از فرزندان اسلام در این منطقه فدای حرص عالم مسیحی شدند. با نگاهی به الجزایر شهری مسیحی خواهیم دید که آثار اسلامیت در آن به کلی معدوم و مسلمین یک باره اسیر قوانین فرانسه گردیدند. آنجا به مصر و سودان چشم اندازیم دل‌های مصریان را از اقدامات ظالمانه و غاصبانه انگلیس پر خون و هیجان آنها را در نهایت درجه می‌بینیم. حقوق مسلمین تونس و طرابلس و حبشه و عدن و مسقط پایمال طمع عالم مسیحی و مسلمانان هندوستان و قفقاز و ترکستان مقهور شدت و قساوت ظالمانه قرار گرفته‌اند. بزرگترین ملل اسلامی یعنی ملت عثمانی دچار هزاران ابتلا و گرفتار صدها دسیسه عالم مسیحی شده‌اند. (شیرازی، ۱۳۲۹ ق: ۱)

حاجی آقا در تحلیل اجمالی اقدامات غرب با جهان اسلام، با نگاه خاصی به کشور ایران، دیدگاهش را مفصل‌تر بیان می‌نماید. وی اقدامات گذشته روس و انگلیس که منجر به جدایی بخش گسترده‌ای از خاک ایران گردید را یادآوری کرده و نسبت به انواع دسیسه‌ها و دخالت این دو قدرت در شهرهای مختلف و چهارگوشه ایران و ایجاد موانع بسیار زیاد در راه ترقی و اصلاح امور، شدیداً اعتراض می‌نماید و علت اصلی عقب‌ماندگی و در واقع ریشه بدبختی‌های ایران را

دخالت و فشار اجانب می‌داند. (همان) هرچند، مدرنیته و غرب با تحمیل هزینه‌های بسیار سنگین انسانی به لحاظ مادی پیشرفت‌هایی کرده است، اما از نظر حاجی آقا، «در عرصه اخلاقی ابدأ ترقی نکرد». (همان)

حاجی آقا در تجزیه و تحلیل خود نسبت به رفتار و اقدامات زمامداران تمدن غرب با جهان اسلام به این نتیجه می‌رسد که «آن تجاوزهای غاصبانه و تحقیرهای بلانهایت بی‌هیچ شبهه و تردید چیزی نیست جز، تجدید جنگ صلیب». (همان: ۲)

بنابراین، در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، رفتار تمدن غرب نسبت به جهان اسلام، نارضایتی عمیق از شرایط حاکم را موجب گردید و در واقع زمینه و بسترهای لازم را به مانند آتش زیر خاکستر فراهم نمود. باید دید مسلمانان در برابر این اقدامات چه شیوه‌هایی را برای برون رفت از وضعیت موجود برگزیدند؟

تبیین وضع مطلوب و جامعه آرمانی

آنچه از نوشته‌ها و سخنان حاجی آقا استنباط می‌شود و در مقاله حاضر هم در موارد متعدد به آنها استناد شده است جامعه مطلوب و آرمانی او به طور خلاصه عبارت است از:

پیروی و انقیاد تام جامعه از تعالیم مقدسه اسلامی و استقرار احکام اسلامی و در نتیجه نفی سلطه کفار از سرزمین مسلمین با برخورداری از دو اصل اسلام یعنی امر به معروف و نهی از منکر که در پرتو آن اهدافی همچون استقلال، آزادی، امنیت، عدالت و احیاء مجد و عظمت دوران شکوفایی تمدن اسلامی تحقق می‌یابد. (شیرازی، ۱۳۲۹ ق؛ همو، ۱۳۳۹ ق)

راه‌های برون‌رفت از وضع موجود و چگونگی رسیدن به وضع مطلوب

زمانی که وضعیت جامعه موجود با جامعه مطلوب مورد مقایسه و سنجش قرار می‌گیرد و فاصله شکاف بین دو جامعه هم، سطحی نباشد که با اصلاح درمان گردد، جامعه به یک جراحی بزرگ و اقدام اساسی و بنیادین نیاز دارد که وضع موجود را بر هم زند تا تحقق جامعه مطلوب میسر گردد. در این هنگام این سؤال مطرح می‌باشد که چه باید کرد؟ به عبارت دیگر، چگونه و با چه شیوه‌هایی می‌توان از وضع موجود به جامعه مطلوب دست یافت؟

روشن است که نارضایتی عمیق از وضع موجود، به منظور برون رفت از آن لازم است، اما

کافی نیست. بدین معنا که ابتدا باید اعضای جامعه به لحاظ ذهنی آمادگی خروج از وضعیت موجود را داشته باشند تا به مرحله عینی دست یابد. از مهم‌ترین مؤلفه‌های پذیرش ذهنی افراد جامعه، تبیین آثار منفی باقی ماندن بر وضع موجود و تبیین آثار مثبت رسیدن به وضع مطلوب می‌باشد که توسط رهبران یا مصلحان جامعه صورت می‌پذیرد. می‌توان گفت نقطه مشترک فهم آثار مثبت و منفی، «آگاهی یافتن و بیدار شدن» اعضای جامعه است. در واقع، افراد جامعه از وضعیتی که در آن به سر می‌برند آگاهی می‌یابند و با تحمل هزینه‌های مادی و معنوی در مسیر وضعیت مطلوب گام برمی‌دارند. نتیجه و اقدام عملی این پذیرش همراه با آگاهی، «شرکت فعالانه مردم در صحنه‌های سیاسی» برای تغییر «وضعیت اساسی» را به دنبال می‌آورد. حاجی آقا با در نظر گرفتن مؤلفه‌های ذکر شده، راه و شیوه‌های رهایی جهان اسلام از وضعیت گرفتار شده به منظور رسیدن به وضعیت مطلوب را چنین ترسیم می‌کند:

۱. پیروی از تعالیم اسلام: حاجی آقا، تنها راه علاج از تمام گرفتاری‌های مسلمین را در پیروی از تعالیم اسلام می‌داند و در مقام یک مجتهد اعلام می‌دارد: «بگانه تکلیف واجب و اولین فرضیه لازم بر ما اطاعت و انقیاد تام از تعالیم مقدسه اسلام است». (شیرازی، ۱۳۲۹ ق: ۳)

پر واضح است که پیروی و اطاعت بدون قید و کامل از اسلام، شامل کلیه امور زندگی فردی و اجتماعی به خصوص ورود مسلمین به عرصه سیاست و مبارزه با ظلم و ستم و اجانب و بیگانگان است که چنانچه با رشد و آگاهی صورت پذیرد، می‌تواند تحولات بنیادین ایجاد کند. در مباحث گذشته آمد که حاجی آقا مسامحه و کوتاهی مسلمین از پیروی تعالیم اسلام را سبب از دست دادن مجد و عظمت دوران شکوفایی تمدن اسلامی می‌دانست.

۲. مبارزه با اجانب و استعمار: حاجی آقا مهم‌ترین و اصلی‌ترین گرفتاری جوامع اسلامی آن روز را اشغال و تجاوز به سرزمین‌های مسلمین از سوی قدرت‌های اروپایی می‌داند: «ای ملت، تمام این بدبختی‌ها از فشار اجانب است که شما را ساکت نگاه داشته است». (همان)

حاجی آقا نمونه‌های دیگری از ظلم اجانب، از جمله محو کردن آثار اسلامی در مستملکات خود و مخالفت و جلوگیری از آئین و قوانین مذهبی مسلمین، توهین به مساجد و معابر اسلامی و اجبار اطفال مسلمین به تعالیم ارتودکس اشاره می‌کند و با ذکر آیه «ولن يجعل الله للكافرين علي المؤمنين سيلا» (نساء / ۱۴۱) هرگونه سستی و دست کشیدن مسلمین از حقوق خود را اشتباه بزرگ می‌داند و می‌نویسد:

الله الله چه اشتباهی، الله الله چه غفلتی، الله الله چه پندار ناشایستی، از حقوق خود دست کشیدن و استقلال خود را پشت پا زدن و خانه را به دیگران گذاشتن و تسلط اقتدار خود را نداشتن و واگذاشتن. (شیرازی، ۱۳۲۹ ق: ۳)

ایشان تنها راه رهایی از فشار اجانب را مبارزه و جهاد در مقابل آنها می‌داند و خواهان مبارزه نه تنها در بعد سیاسی بلکه در ابعاد دیگر، به خصوص در بعد اقتصادی و ادبی است و به پرهیز از تجملات بی‌فایده و قطع وابستگی از اجانب و بیرون انداختن آنها از مملکت اسلامی توصیه می‌کند:

اجانب را از مملکت اسلامی بیرون کنید و مردانگی خود را به عالمیان ظاهر سازید، با یک اقدام عاقلانه با اجانب جنگ اقتصادی و ادبی کنید، اگر احتیاج خود را حتی‌الامکان از اجانب قطع کنید، اگر این همه خون مملکت را در مقابل تجملات بی‌فایده و اسباب بزرگ و توالف و ... ندهید، همه قسم به مقصود نائل خواهید شد. (همان)

۳. اتحاد اسلامی: حاجی آقا با الهام‌گیری از آیات الهی تلاش می‌کند مسلمین را از اختلاف دور سازد و به اتحاد نزدیک‌تر کند:

تنها علاج دردهای بی‌درمان ما را یک دستور ملکوتی، یک تعلیم ربانی و فرمان الهی «و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا» که مفاهیمش امر به اتحاد و نهی از اختلاف است بیان فرموده و منشأ این فرمان مقدس را اخوت اسلامی «انما المؤمنون اخوه» [همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق شوید، (آل عمران / ۱۰۳)] قرار داده. (همان)

حاجی آقا با مهم دانستن جایگاه دولت عثمانی به عنوان یکی از پایه‌های اساسی مرکز جهان اسلام و ایران به عنوان پایه دیگر و کشوری مستقل، به مزایا و آثار مثبت اتحاد آنها پی برده و همواره بر این موضوع تأکید می‌ورزد و اتحاد هر دو را مقدمه اتحاد عموم مسلمین عالم اسلام می‌داند و خطاب به دولت عثمانی می‌گوید:

اتحاد شما با ایران بزرگترین اسباب قدرت اسلام و نهضت مسلمین است، اتحاد شما با ایران جلوگیری از طمع روس در بالکان و آسیای صغیر است، اتحاد شما با ایران مطامع صلیبیان را در این دو مملکت اسلامی جلوگیری خواهد کرد. (همان: ۲)

حاجی آقا سرنوشت ایران و عثمانی را به لحاظ استقلال یکی می‌داند و برای نزدیکی و موفقیت آنها ضمن تقاضای صلح اسلامی، پیشنهاد تشکیل اتحاد اسلام را می‌دهد:

امروز وقت اتحاد است نه اختلاف، امروز وقت جلب است نه نفرت، امروز وقت صلح اسلامی است نه جنگ، امروز استقلال شما با استقلال ایران توأمان و استقلال ایران و استقلال شما با هم است «تشکیل اتحاد اسلام» را برای انجام این کار بزرگ اقدام کنید. (همان)

۴. افزایش قدرت جنگی و آمادگی کامل در برابر دشمنان: حاجی آقا شیرازی برخوردار از جوامع اسلامی را از امکانات و تجهیزات به منظور افزایش توان دفاعی را با ذکر کلام الهی «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم؛ و در برابر دشمنان هر قدر توانایی دارید، از نیرو قدرت نظامی آماده سازید اسبهای ورزیده برای میدان جهاد فراهم سازید تا دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید». (انفال / ۶۰) یک امر قطعی و ضروری در جهت اقتدار، استقلال و عظمت جهان اسلام می‌داند.

۵. ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه: حاجی آقا از امر به معروف و نهی از منکر به عنوان دو اصل بزرگ شرع یاد می‌کند که می‌تواند این دو اصل اساس آسایش و ترقی عالم باشد (شیرازی، ۱۳۳۹ ق: ۳۶) که اگر با شرایط خاص خود در جامعه اسلامی اجرا شود می‌تواند هم بازدارندگی ایجاد کند و هم حرکت‌دهنده باشد.

۶. وقوع جنبش بزرگ اسلامی به عنوان تمام کننده برون رفت از وضع موجود: هر چند راههایی که حاجی آقا برشمرد هر کدام در جای خود اثرگذار است، اما اصلی‌ترین موضوعی که او در این مقاله مطرح می‌کند «جنبش حتمی الوقوع عالم اسلامی» است. این جنبش از نظر حاجی آقا واکنش شدید به رفتار تمدن غرب و در واقع تمام کننده برون رفت از وضع موجود است، این جنبش برای حاجی آقا این قدر از جایگاه رفیعی برخوردار است که آن را بزرگ‌ترین واقعه عالم بشری و عظیم‌ترین جنبش جامعه اسلامی می‌داند. به نظر می‌آید اهداف جامعه مطلوب حاجی آقا در این جنبش شکل پیدا می‌کند. وی جنبش اسلامی را چنین پیش‌بینی می‌کند:

نقطه نظر من در این مقاله نشان دادن جنبش حتمی الوقوع عالم اسلامی در مقابل حمله‌های حقوق‌شکنانه ملل صلیب است که بزرگترین واقعه عالم بشری و عظیم‌ترین «جنبش جامعه اسلامی» [در قرن بیستم] خواهد بود. این پیش‌بینی که شاید مورد هزاران طعن و استغراب بعضی کوتاه‌بینان باشد، اما در نظر فیلسوفان عمیق عارف به نوامیس اجتماع چنان روشن محقق الوقوع است که محتاج به هیچ برهانی نیست. (شیرازی، ۱۳۲۹ ق: ۱)

مقایسه تطبیقی جنبش اسلامی با انقلاب اسلامی

در مقایسه تطبیقی جنبش اسلامی مبتنی بر اندیشه حاجی آقا مجتهد شیرازی با انقلاب اسلامی، سؤال اصلی مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد مبنی بر اینکه آیا جنبش بزرگ حتمی‌الوقوع عالم اسلام که حاجی آقا شیرازی در واکنش به رفتار و تمدن غرب پیش‌بینی کرده بود می‌تواند با نهضتی که در سال ۱۳۵۷ تحت عنوان «انقلاب اسلامی» به رهبری امام خمینی علیه السلام در بستر بیداری اسلامی به وقوع پیوست، مطابقت کند؟ برای سنجش سؤال مذکور، ویژگی‌ها و اهداف جنبش اسلامی با انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در این بررسی از دیدگاه حاجی آقا به منظور تبیین جنبش اسلامی و از اندیشه امام خمینی علیه السلام و قانون اساسی برای تبیین انقلاب اسلامی استفاده خواهد شد.

۱. نام‌گذاری: جنبش اسلامی و انقلاب اسلامی هر دو، از دو مفهوم تشکیل شده است، مفهوم جنبش و انقلاب که بیانگر یک حرکت سیاسی - اجتماعی است و مفهوم اسلامی که در هر دو مشترک است محتوای آن حرکت را مشخص می‌کند. ممکن است سؤال شود که کدام اسلام در این جنبش و انقلاب منظور است؟ آنچه که از اندیشه حاجی آقا استنباط می‌شود منظورش اسلامی است که به نوعی بازگشت به اسلام نخستین دارد؛ اسلامی که قرآن و اهل بیت علیهم السلام دو عنصر اصلی آن می‌باشد. در جایی که حاجی آقا با هشدار دادن و یادآوری قصد دارد مسلمین را بیدار نماید و آنها را به حرکت وا دارد، چنین مسلمین را مورد خطاب قرار می‌دهد:

ای مسلمین، ای کسانی که محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله را پیغمبر خود و قرآن را کتاب خود و خود را تابع و حامی شریعت و دین او می‌دانید، آیا حاصل زحمات پیامبر و اهل بیت و خلفاء او را این طور محفوظ می‌دارید؟ آیا امانت الهی که به شما سپرده شد و مسئول حفظ و بقای او هستید را این طور حفاظت می‌کنید؟ (همان: ۳ - ۲)

افزون بر این، در نوشته‌های حاجی آقا در کنار مفهوم جنبش بزرگ اسلامی به مفاهیم دیگری از جمله جنبش حتمی‌الوقوع عالم اسلامی، جنبش جامعه اسلامی، نهضت اسلامی، صلح اسلامی، اتحاد اسلامی، اخوت اسلامی برخورد می‌کنیم که همه با قید «اسلامی» آمده است که این موضوع به اعتقاد حاجی آقا برمی‌گردد. بر این اساس می‌توان گفت، آنچه که حاجی آقا در باب یک تحول و تحرک عمیق از مسلمانان آرزو می‌کرد، در انقلاب اسلامی

ایران تحقق یافته است. عناصری چون موضوع پیروی و اطاعت تام از احکام اسلام، مبارزه با استعمار، اتحاد اسلامی، افزایش توان و قدرت مسلمین در برابر اجانب و جنبش جهانی از محورهای مورد نظر حاجی آقا می باشد که در اصول و روح انقلاب اسلامی ایران تبلور و نمود بارزی دارد.

۲. **زمان وقوع:** حاجی آقا زمان جنبش حتمی الوقوع جهان اسلام را در قرن بیستم پیش بینی می کند. وی در این باره می گوید:

اکنون که «قرن بیستم»، منتظر است که صفحات تاریخ خود را به نام شما و افتخار شما مزین و مشعشع نماید برخیزید و دامن همت بر کمر زنید و دست اتحاد به هم داده و آرزوی ملل صلیب را که حمیت خود را در پریشانی شما می خواهند به مقهور کردن صلیبیان دفن کنید و برای همیشه استقلال خود را حفظ و مطامع مسیحیان را با اتحاد فرزندان، یأس و نومیدی محبوس ابدی نمائید. (همان: ۳)

هرچند مبارزه روحانیت در دوران رضا شاه به مجاهدت شخصیتی مانند شهید مدرس و در دوره پهلوی دوم با نهضت ملی شدن صنعت نفت و روحانیانی از جمله آیت الله کاشانی و نواب صفوی هرکدام زمینه ساز و تأثیرگذار در جنبش ملت اسلامی بوده است، اما حرکت اساسی و بنیادی با نهضت اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی علیه السلام از پانزده خرداد ۱۳۴۲ آغاز شد و در روز ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ در نیمه دوم قرن بیستم سال ۱۹۷۹ میلادی در ایران به وقوع پیوست و پیروز شد.

۳. **مکان وقوع:** دولت عثمانی و ایران به لحاظ جایگاه خود در جهان اسلام مورد توجه قدرت های اروپایی بودند. حاجی آقا مکان وقوع جنبش اسلامی در ایران و عثمانی را به مراتب احتمال بیشتری نسبت به دیگر سرزمین های اسلامی هم به لحاظ حمله غرب به آنها و هم به سبب وقوع جنبش اسلامی می دهد: «اولین حمله عالم اسلام و شروع به جنگ صلیب از نقطه عثمانی و ایران زودتر به نظر می رسد». (همان)

پیش بینی حاجی آقا مبنی بر حمله گسترده تمدن غرب به ایران و عثمانی در ابتدا جنگ جهانی اول ظهور پیدا کرد. در این جنگ کشور ایران مورد تجاوز و اشغال گردید و از پیامدهای ناگوار آن کشته شدن انسان های بی گناه و قحطی بزرگ بود که در ایران رخ داد، اما در این میان دولت عثمانی وضعیت بسیار دشوارتری پیدا کرد و قدرت های اروپایی

به‌خصوص فرانسه و انگلیس در یک قرارداد محرمانه، سرزمین دولت عثمانی را قبل از پایان جنگ بین خود تقسیم کردند. با فروپاشی دولت عثمانی و انحلال رسمی حکومت خلافتی عملاً وقوع جنبش اسلامی در سرزمین خلافت عثمانی از پیش بینی حاج آقا حذف گردید. بنابراین، تنها انتظار از وقوع جنبش بزرگ، بر ایران متمرکز شد.

۴. نقش مردم: یکی از عناصر اساسی تحولات اجتماعی، نقش «مردم» است. نقش مردم در حرکت جنبش اسلامی از دیدگاه حاجی آقا بسیار تعیین کننده است. مخاطبان حاجی آقا عمدتاً، ملت‌های جهان اسلام به خصوص ایران و عثمانی است. ایشان حرکت جنبش اسلامی را حرکتی مردمی با محوریت جوانان می‌داند: «جوانان ترک و ایران تازه بیدار را مستعدتر برای حمله می‌توان دید». (همان) حاجی آقا علاقه فراوانی از خود نشان می‌دهد که ملت ایران سهم بزرگی از جنبش اسلامی را در قرن بیستم داشته باشد. به همین منظور تلاش می‌کند که حس مسئولیت‌پذیری را در آنها بیدار کند و در جایگاه نمایندگان مجلس، خطاب به ملت ایران می‌گوید:

موکلین من، ای صاحبخانه، ای فرزندان ایران، ای «افرازانگان بیرق اسلام»، ای جانبازان راه آزادی، ای مروجین احکام روحانی، ای «قبول کنندگان امانت الهی» یک آن اظهار خستگی و اندک اظهار یأس تمام زحمات را به باد خواهد داد ملتی که بیدار شود و اظهار زنده [بودن] و رشد کند همیشه و در هر موقع باید حسیات خود را «ظاهر» داشته و «بیداری» خود را به عالم ثابت و رشد خود را به تمام دول ملل [آشکارا] سازد. امروز اگر اندکی غفلت کنیم در پیشگاه عالم اسلام مسئول و در صحنه تاریخ «جنبش اسلامی در این قرن» دارای هیچ مقامی نبوده و نام ما تاریخ در تاریخ مشعشع عالم اسلام خواهد بود. (همان: ۳)

نقش اساسی و حضور عظیم توده‌های میلیونی مردم به خصوص جوانان در عرصه‌های انقلاب نیز تعجب همگان، به خصوص تحلیل‌گران خارجی را به دنبال داشت، این حضور با شاخص‌هایی مثل تظاهرات در نارضایتی عمیق در شرایط حاکم دست نشانده و استعمار، هشت ساله دفاع مقدس و دیگر صحنه‌های گوناگون، به طور مداوم خود را نشان داده، به گونه‌ای که امام مردم ایران را بهتر از مردم حجاز در عهد رسول الله و بهتر از مردم کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و امام حسین علیه السلام می‌دانست. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱ / ۴۶۰) همچنین امام خمینی با محور قرار دادن جوانان در انقلاب اسلامی و آمادگی آنها برای شهادت و دفاع از اسلام چنین می‌گوید:

من وقتی که این طور احساسات را از جوان‌های وطن می‌بینم و این طور مهیا بودن از برای شهادت، مهیا بودن برای دفاع از اسلام، غرور می‌گیرد مرا که ما همچو جوان‌هایی داریم. (همان: ۱۱ / ۳۶۱)

۵. رهبری: نقش فوق‌العاده مؤثر رهبری در هر تحول اجتماعی امر قطعی و روشن است. از آنجا که حاجی آقا با نگاه کاملاً دینی به مسائل می‌پرداخت و هرگونه ترقی و تکامل را جز از راه دین محال می‌دانست، هدایت و رهبری جامعه اسلامی از نظر او تنها از طریق متولیان دین، یعنی روحانیون عالی مقام و مراجع امکان‌پذیر بود. وی در آن زمان از آیات ثلاثه نجف تحت عنوان «سه آیت اعظم الهی و سه حجت قاطعه عالم اسلام، سه علمدار رشید تمدن اسلامی سه مجاهد در راه اعلاء کلمه مقدسه ربوبی یعنی آیات الله طهرانی و خراسانی و مازندرانی» یاد می‌کرد. (شیرازی، ۱۳۳۰ ق: ۶) بنابراین، به نظر می‌رسد به لحاظ اینکه جنبش اسلامی مورد نظر حاجی آقا بر مبانی اصول اسلامی استوار بود به تبع آن، رهبری آن را عالم دینی مورد وثوق مردم باید عهده‌دار باشد.

انقلاب اسلامی نیز بر پایه رهبری علمای دینی و روحانیت بوده است. امام خمینی که خود از پرورش‌یافتگان مکتب شیعه است و نقش اصلی و اساسی را در رهبری نهضت اسلامی چه در بعد نظریه‌پردازی انقلاب و چه در ساقط کردن نظام حکومت شاهنشاهی و جایگزین کردن نظام جمهوری اسلامی و مبارزه با تمدن غرب و با برخورداری از همه ویژگی‌های مورد نیاز برای رهبری دینی و الهی ایفا نمودند، درباره نقش و جایگاه رهبری و روحانیت می‌فرماید:

در صد سال [اخیر] حوادثی اتفاق افتاده است که هرکدام در جنبش امروز ملت ایران تأثیر داشته است. انقلاب مشروطیت، جنبش تنباکو و ... قابل اهمیت فراوان است. تأسیس حوزه علمیه دینی در بیش از نیم قرن اخیر در شهر قم و قیام سال ۴۲ - ۴۱ ملت ایران به رهبری «علمای اسلامی» [بوده است] که تا امروز ادامه دارد همه عواملی هستند که اسلام شیعی را در سطح جهان مطرح می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵ / ۴۰۷)

در قانون اساسی نیز در مورد رهبری با ویژگی‌های خاص خود، طبق اصل پنجم قانون اساسی چنین آمده است:

در زمان غیبت حضرت ولی عصر^{علیه السلام} در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می‌گردد.

افزون بر اینها، مقام معظم رهبری که پس از امام، رهبری انقلاب اسلامی را به عهده گرفتند در این باره می‌گویند:

روحانیان و رجال دین‌شناس کمابیش در همه جا مرجع فکری و سنگ صبور روحی مردم بوده‌اند و هر جا که در هنگامه تحولات بزرگ، در نقش هدایتگر و پیشرو ظاهر شده و در پیشاپیش صفوف مردم در مواجهه با خطرات حرکت کرده‌اند، پیوند فکری میان آنان و مردم افزایش یافته و انگشت اشاره آنان در نشان دادن راه به مردم، اثرگذارتر بوده است. (بیانات مقام معظم رهبری در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹)

۶. ایدئولوژی: یکی دیگر از ارکان اصلی جنبش یا انقلاب، ایدئولوژی است. در واقع، رهبری بر اساس ایدئولوژی، خط و مشی حرکت اجتماعی را ترسیم می‌نماید. جنبش اسلامی از نظر حاجی آقا بر پایه ایدئولوژی اسلامی استوار بود. ایشان تنها راه نجات مسلمانان را پیروی از مکتب و تعالیم اسلام می‌داند.

عالم اسلام را عموماً و ایرانیان را خصوصاً چاره و علاج توحید [تنها] در مقابل این خطرات گوناگون فقط پیروی از تعالیم مقدسه اسلامی است. (شیرازی، ۱۳۲۹ق: ۳)

امام خمینی علیه السلام نیز ایدئولوژی انقلاب را بر پایه اندیشه و جهان بینی اسلامی دانسته و بر این باور است که با به کارگیری اصول و قوانین اسلامی سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها تأمین می‌شود. وی در مورد نقش اسلام در این خصوص می‌فرماید:

اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن، سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگری‌ها و چپاول‌گری‌ها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسان‌ها را به کمال مطلوب خود برساند و مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیر توحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است. (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۸ - ۷)

قانون اساسی هم بر این نکته که کلیه قوانین باید بر اساس موازین اسلامی باشد تأکید می‌ورزد. طبق اصل چهارم قانون اساسی:

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول

قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

۷. جهان شمولی: از آنجا که مبانی جنبش اسلامی و انقلاب اسلامی، برگرفته از متون دین اسلام است، در نگاه آرمانی خود سعادت همه انسان‌ها را می‌خواهد و هدف نهایی آنها هدایت کل بشر است و برای افراد غیر مسلمان به دلیل انسان بودن احترام قائل است. حاجی آقا بر همین اساس، نسبت به رفتار غرب با عالم بشری واکنش نشان می‌داد و هر اقدامی علیه مسلمانان در هر سرزمینی از جهان اسلام، مورد توجه وی بود. هر چند ایران به عنوان کانون اصلی جنبش اسلامی محسوب می‌شد اما نگاه حاجی آقا نسبت به گستره جنبش، فراتر از مرزهای ایران بود. به همین دلیل، او عنوان جنبش مورد نظر خود را «جنبش حتمی‌الوقوع عالم اسلام» می‌گذارد و عمده پیام‌های وی با خطاب «ای مسلمین» انجام می‌گیرد. به عنوان نمونه:

ای مسلمین، ای کسانی که بزرگترین وظیفه دین خود که حفظ حوزه اسلام از تمامیت کفر است را فراموش فرموده‌اید. ای مسلمین، آیا هنوز وقت جنبش و غیرت شما نرسیده، آیا ناموس اسلام را پیش از این مقهور شهوت اجانب می‌خواهیم؟ آیا احکام جهاد و دفاع را در راه ترقی و حفظ اسلام را پشت سر انداخته اید؟ (شیرازی، ۱۳۲۹ق: ۲)

انقلاب اسلامی به مراتب در سطح گسترده‌تری به این نوع نگاه، جنبه عینی بخشیده است. نکته قابل توجه این است که حضرت امام علیه السلام نیز مسلمین را با واژه «ای» و «آیا» همانند حاجی آقا مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید:

«ای مسلمانان» جهان و مستضعفان گیتی بپا خیزید و مقدرات خود را بدست گیرید. تا کی نشسته‌اید که مقدرات شما را واشنگتن یا مسکو تعیین کنند؟ «آیا» مسلمانان چه جوابی در مقابل خداوند عظیم که آنان را دعوت به اعتصام بحبل الله نموده، و از تفرقه و نزاع نهی فرموده است دارند؟ آیا تکلیف خود نمی‌دانند که از ملت و دولت ایران که با جهاد مقدس پرچم کفر را سرنگون و پرچم پر عظمت اسلام را بر افراشته است پشتیبانی کنند؟ (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۵ / ۱۷۲ - ۵۹)

موضوع جهان شمولی انقلاب اسلامی در قانون اساسی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است:

قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور

فراهم می‌کند به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (ان‌هذه امتکم امه واحده و اناریکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.

افزون بر ویژگی‌هایی که بر شمرده شد، خصوصیات دیگری، از جمله بازگشت به مجد و عظمت تمدن اسلامی، پیوند دین با سیاست، ظلم‌ستیزی و نفی سلطه بیگانه، تأکید بر وحدت و اتحاد اسلامی، پرهیز از جدایی و تفرقه در جنبش اسلامی و انقلاب اسلامی نیز وجود دارد. همچنین می‌توان «اهدافی» از قبیل، استقلال، آزادی، امنیت، عدالت و هویت اسلامی را در اندیشه سیاسی حاجی آقا یافت که در اندیشه سیاسی حضرت امام علیه السلام و قانون اساسی نیز بر همه آنها تأکید شده است. بنابراین، با توجه به مطالب مذکور که دیدگاه حاجی آقا به عنوان تبیین‌کننده ویژگی‌های جنبش اسلامی و اندیشه حضرت امام علیه السلام و قانون اساسی به عنوان تبیین‌کننده انقلاب اسلامی مطرح گردید، می‌توان در پاسخ سؤال مطرح شده، به این نتیجه‌گیری روشن و مشخص رسید که جنبش حتمی‌الوقوع اسلامی که حاجی آقا در قرن بیستم در واکنش به رفتار تمدن غرب، پیش بینی کرده بود با وقوع انقلاب اسلامی کاملاً مطابقت دارد.

در واقع، جنبش اسلامی در سطح وسیع‌تر و تکامل یافته‌تری در انقلاب اسلامی تجلی و عینیت یافته است. به طور قطع، انقلاب اسلامی واکنشی شدید به دوران تحقیر و اهانت و سلطه‌گری غرب و آغازگر عصر بیداری بازگشت به خویشن اسلامی مسلمانان، زمینه‌ساز احیای هویت اسلامی در دیگر نقاط جهان اسلام و به چالش کشیدن گفتمان غالب اندیشه مدرنیته و جایگزین نمودن اندیشه دین و شکست الگوهای بومی مدرنیسم غربی بود که توانست با ماهیت دینی شکل بگیرد، پیروز شود، تداوم یابد و نسبت به بیداری اسلامی از یک رابطه «تعامل و تفاهم عمیق» و نسبت به تمدن غرب از یک «رابطه تقابل شدید» برخوردار شود.

نتیجه

در این پژوهش، نسبت رفتار تمدن غرب با بیداری اسلامی بر اساس اندیشه حاجی آقا مجتهد شیرازی مورد کنکاش و تجزیه و تحلیل قرار گرفت، یافته‌های حاصل از نتایج این بررسی، تحت عنوان نتیجه‌گیری موضوعی یا عینی و استنتاجات نظری آمده است:

نتیجه گیری موضوعی

۱. جنبش بزرگ اسلامی مبتنی بر پیش‌بینی حاجی آقا مجتهد شیرازی با وقوع انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی ره در بستر بیداری اسلامی کاملاً منطبق بوده است؛ زیرا ویژگی‌های «هویتی» جنبش اسلامی و انقلاب اسلامی شامل هم‌نامی با محتوای اسلامی، هم‌زمانی در قرن بیستم و هم‌مکانی وقوع در ایران، مطابقت داشته است و ویژگی‌های «ارکانی» آن، شامل نقش مردم، رهبری دینی و ایدئولوژی اسلامی با هم هماهنگ بوده و ویژگی «فرامکانی» شامل جهان‌شمولی در هر دو حرکت سیاسی و اجتماعی وجود داشته است. افزون بر این، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، عدالت‌خواهی، جامعه امن و مقتدر و بازگشت به هویت و تمدن اسلامی از اهداف اصلی و آرمانی جنبش اسلامی و انقلاب اسلامی به شمار می‌آید.

۲. وقوع انقلاب اسلامی بزرگترین مصداق بیداری اسلامی در قرن بیستم است که از یک سو نگاهی به گذشته خود دارد؛ بدین معنا که جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلیه حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی بود که در گذشته به وقوع پیوسته بود که از حیث عمق و گستردگی و آثار آنها با هیچ کدام از نهضت‌های یک قرن اخیر قابل مقایسه نیست و توانست به نهضت‌های اسلامی مایوس و ناامید و خسته در کالبد نیمه جان آنها روح تازه‌ای بدمد و آنها را به حرکت وا دارد و از سوی دیگر، با نگاهی به آینده خود، به عنوان الگوی تازه و زنده و امیدبخش، نقشی حرکت‌آفرین و تعیین‌کننده و تأثیرگذار در جنبش‌های جدید در حال جریان تحت عنوان «بیداری اسلامی» قرن بیست و یکم ایفا نماید. افزون بر این، انقلاب اسلامی توانست زمینه ساز و احیاگر مجد و عظمت و هویت اسلامی از دست رفته، با رویکرد جدید و پالایش یافته تمدن اسلامی گذشته، با نگاه بلند و آرمانی و تکاملی خود به سمت و سوی «تمدن نوین اسلامی» گام بردارد.

۳. عناصر مشترک قابل توجه بسیاری در اندیشه‌های حاج آقا شیرازی و حضرت امام خمینی ره یافت می‌شود: تأکید ورزیدن هر دو بر محتوای اسلامی حرکت سیاسی اجتماعی مورد نظر خود، کانون اصلی را ایران قرار دادن اما نگاه کردن فراتر از مرزها، ریشه بدبختی‌های مسلمین را اجانب دانستن و معتقد بودن به مبارزه و شیوه فرهنگی مبنی بر رشد و آگاهی بیداری اسلامی همراه با حضور مردم در تظاهرات و اعلام مواضع به دنیا با محوریت جوانان، شباهت بسیار زیاد در شیوه و نوع پیام‌ها و هشدارها به مسلمین، باور نداشتن و بی‌اعتمادی شدید نسبت به غرب و معتقد بودن به مبارزه همه جانبه با ماهیت استکباری،

تأکید بر هدایت رهبری جامعه توسط روحانیت و علمای اسلامی، معتقد بودن بر تنها راه نجات و رهایی از ذلت و خواری از طریق پیروی تام از تعالیم اسلام ناب محمد ﷺ، از جمله موارد اشتراک نظری حاجی آقا شیرازی و امام خمینی ﷺ می‌باشد.

هرچند دیدگاه حاجی آقا شیرازی در این زمینه، نسبت به امام خمینی ﷺ تقدم تاریخی دارد، اما نظریه‌پردازی امام خمینی ﷺ به مراتب روند تکامل یافته‌تری در ابعاد مختلف دارد. ایشان، دغدغه و شاخص‌های یک نظام مطلوب دینی مورد نظر حاجی آقا شیرازی را در قالب نظریه «ولایت فقیه» تجمیع و سازماندهی کرد. در واقع، آنچه حضرت امام را نه تنها در مقایسه با حاجی آقا بلکه در طول تاریخ اسلام به جز معصومین ﷺ متمایز می‌سازد، هنر حضرت امام ﷺ در عینیت بخشیدن به نظریه «ولایت فقیه» با یک رویکرد مدرن بر اساس اصول و مبانی مکتب شیعه در طول تاریخ اسلام است.

استنتاجات نظری

۱. با توجه به گذشت یک قرن از بیان علت واحده از سوی حاجی آقا شیرازی مبنی بر علت‌العلل واکنش‌ها یعنی تحقیرشدگی مسلمانان از سوی تمدن غرب و تأکید امروزه محققین و سیاست‌مداران بر این علت واحده در بیداری اسلامی اخیر و باور اندیشمندانی چون ماکس وبر مبنی بر «یک ملت شکست را می‌پذیرد ولی تحقیر را هرگز» و اینکه سخن حاجی آقا، کارکرد امروزی پیدا نموده، بیانگر این نکته ظریف و مهم است که از یک سو، دوران‌دیشی و آینده‌نگری و تشخیص منطبق با واقعیت تحلیل حاجی آقا را می‌رساند و از سوی دیگر، نشان دهنده، تغییر ناپذیری رفتار غرب می‌باشد که از ماهیت آن نشأت گرفته است؛ زیرا سخن هر اندیشمندی زمانی تازگی خود را حفظ می‌کند که از ذات و ماهیت یک رفتار سخن گفته باشد؛

۲. بیداری اسلامی یک جریان طولانی و دامنه‌دار در تاریخ اسلام است که در هر گوشه‌ای از سرزمین‌های اسلامی، ممکن است افراد آن جامعه از طریق مصلحان و رهبران پیامدهای آثار منفی باقی ماندن بر وضع موجود و آثار مثبت حرکت به سوی وضع مطلوب را مورد پذیرش قرار دهند و به رشد و آگاهی دست یابند؛ به گونه‌ای که هزینه‌های مادی و معنوی مبارزه را متحمل شوند. بسته به شرایط و موقعیت، می‌تواند آن حرکت در قالب نهضت و جنبش یا انقلاب ظاهر شود و به عنوان مصداقی از بیداری اسلامی عینیت پیدا نماید؛ هر اندازه یک تحول سیاسی —

اجتماعی از عمق و ریشه‌های تاریخی مستحکم و گفتمان قوی و منطقی برخوردار باشد به همان نسبت تأثیرگذاری آن در منطقه خاص خود و حتی فراتر از منطقه بیشتر خواهد بود؛

۳. مبنای اندیشه حاجی آقا شیرازی در مورد علل انقلاب‌ها و اضمحلال تمدن‌ها بر روی یک اصل، یعنی «اهانت و تحقیر ملل‌های ضعیف» متمرکز می‌باشد اما این پژوهش به این نتایج دست یافته که باید بر علت واحد نظریه حاجی آقا دو علت دیگر به عنوان تکمیل کننده عناصر اصلی اضمحلال تمدن غرب افزود که یکی، برخورداری تمدن غرب از روحیه استکباری و در واقع «غرور» است و دیگری، برخورداری از روحیه «زیاده خواهی» است که همگی برگرفته از ماهیت مادی‌گرایی آن است. در برابر تمدن غالب غرب، بیداری اسلامی قرار گرفته است. تا زمانی که بیداری اسلامی با برخورداری از روحیه ظلم‌ستیزی در برابر روحیه استکباری، روحیه عدالت‌خواهی در برابر زیاده‌خواهی و روحیه حمایت از ملت ضعیف و احترام به انسانیت در برابر تحقیر و فشار ملت ضعیف بر روی این مدار حرکت نماید و از بستر خود خارج نشود نسبت میان تمدن غرب و بیداری اسلامی «تقابل همیشگی» است. بنابراین، بر پایه نتیجه‌گیری موضوعی و استنتاجات نظری این مقاله، می‌توان نتیجه‌گیری نهایی و کلی را در قالب یک «پیش‌بینی در قرن بیست و یکم» چنین ترسیم کرد:

قرن بیست و یکم، قرنی است که تمدن غرب با محوریت آمریکا بدون تغییر ویژگی‌های خود مبنی بر «زیاده‌خواهی، غرور، تحقیر ملت‌های ضعیف» با همان رویکرد گذشته ادامه خواهد داد. تنها به تغییر شیوه‌ها و تاکتیک‌ها متناسب با استراتژی خود بسنده خواهد کرد و در برابر آن، بیداری اسلامی، با استراتژی برگرفته از ماهیت دین و حیانی اسلام ناب محمدی، مقابله خود را با تمدن غرب تداوم خواهد بخشید و با مرکزیت ایران اسلامی سه موج را در قرن بیست و یکم به منظور رهایی از وضع موجود، تا رسیدن به وضع مطلوب در پیش خواهد داشت؛

موج اول: در این موج که در حال انجام است، امت اسلامی آثار منفی سنگین باقی ماندن بر وضع موجود را درک نموده و بخش قابل توجهی از هزینه‌های مادی و معنوی آن را پذیرفته‌اند. البته هنوز برتری با تمدن غرب است. در این موج غرب تلاش می‌کند با تحریف حقایق و واقعیت‌ها و برتری ابزار رسانه‌ای، آسیب‌پذیری امت اسلامی را در انحراف از مسیر اصلی افزایش دهد. در این موج نشانه‌هایی از آسیب‌پذیری و شکنندگی تمدن غرب در اتخاذ تصمیم‌گیری‌ها مشاهده می‌گردد؛

موج دوم: امت اسلامی به تدریج مزایای مثبت رسیدن به وضعیت مطلوب را احساس می‌کند. در این هنگام تجربه‌آموزی فراگیر و الگوسازی انقلاب اسلامی و باور خروج از تجربه دنیای غرب به کمک امت اسلامی می‌آید و منفذهای آسیب‌پذیری تمدن غرب رو به افزایش می‌رود و متعدد می‌شود. در واقع در موج دوم، قدرت بین بیداری اسلامی و تمدن غرب به مرحله «توازن قدرت» می‌رسد و شاخص‌های شکل‌گیری تمدن نوین اسلام که جامعه مطلوب امت اسلامی است تجلی می‌یابد؛

موج سوم: در این موج به عنوان آخرین گام، سخن از رویارویی تمدن نوین اسلامی با رویکرد فرهنگی به محوریت ایران اسلامی با تمدن غرب است. در این مرحله به لحاظ دستاوردهای ناشی از تمدن نوین اسلامی و احساس سربلندی و عزت در میان امت اسلامی، روحیه‌ای با نشاط و امیدوار در جوامع اسلامی ایجاد شده که بسیار آرامش‌بخش خواهد بود. افزون بر این، با پاسخگو نبودن ماهیت مدرن غرب به نیازهای معنوی و مادی عادلانه، به خصوص باقی ماندن بشریت در رنج، اضطراب و تنهایی در دنیای غرب، به تدریج تمدن غرب به سود تمدن نوین اسلامی رو به افول و انحطاط پیش خواهد رفت و توازن قدرت در این موج به «تثبیت و افزایش قدرت» تمدن نوین اسلامی می‌انجامد و در واقع، جای «قدرت غالب و مغلوب» تغییر می‌یابد. پایان نیمه اول قرن حاضر، برای تحقق این «عظیم‌ترین وقایع جهان» دور از ذهن نیست.

منابع و مأخذ

۱. آبادیان، حسین، ۱۳۸۸، *مفاهیم قدیم و اندیشه جدید (در آمدی نظری بر مشروطه ایران)*، تهران، کویر.
۲. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۸، *صحیفه امام*، ۲۱ جلدی، تهران، مرکز نشر آثار امام خمینی.
۳. _____، ۱۳۶۸، *صحیفه انقلاب*، وصیت نامه سیاسی الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. بامداد، مهدی، ۱۳۷۱، *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۳، ۱۲، ۱۴ هجری*، تهران، زوار.

۵. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۲، *بیانات در اجلاس علما و بیداری اسلامی*، تهران، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری.
۶. شیرازی، حاجی آقا، ۱۳۲۹ ق، «فشار عالم اسلام یا تجدید جنگ صلیب»، تهران، *روزنامه مجلس*، شماره ۵۰، سال چهارم.
۷. _____، ۱۳۳۰ ق، *واقعات دو ساله یا تاریخ بدبختی ایران*، تهران، مطبعه شمس.
۸. _____، ۱۳۳۹ ق، *صورت نطق*، صورت مجلس ۲۷ ذی‌حجه ۱۳۳۹ قمری، تهران، انتشارات مجلس شورای اسلامی.
۹. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*.
۱۰. نظری، منوچهر، ۱۳۹۰، *رجال پارلمانی ایران*، تهران، فرهنگ معاصر.